

مرگ زن میانسال پس از سقوط از طبقه دوم خانه‌اش

زن میانسالی که درگیری باشوهرش یسه طرز مرموزی از بالکن خانه‌اش په پایین سقوط کرد و جان باخت. مأموران در تلاش‌شدن شوهر زن فوت شده را دستگیر و راز این حادثه را بر ملا کنند. به گزارش خبرنگار ما، ظهر دوشنبه ۲۱ فروردین ماه امسال بود که کارکنان بیمارستان لقمان در جنوب تهران مرگ مشکوک زن میانسالی را به مأموران پلیس خبر دادند. مأموران در بیمارستان با جسد زنی به نام پروانه روبه‌رو شدند که چندروز قبل پس از سقوط مرموز از طبقه دوم خانه‌اش به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل می‌شود و در نهایت بر اثر شدت جراحات فوت می‌کند. با اعلام خبر مرگ مشکوک زن میانسال، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند. بررسی‌ها نشان داد پروانه ساعت ۱۸ عصر روز دوم فروردین ماه امسال از بالکن طبقه دوم خانه‌اش در حوالی خیابان قزوین به پایین سقوط می‌کند. پس از این حادثه پیکر نیمه جان وی برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود اما تلاش تیم پزشکی برای نجات جان زن میانسال نتیجه‌ای نمی‌دهد و در نهایت پس از ۱۹ روز بستری وی فوت می‌کند. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای بر ملا کردن راز این حادثه آغاز کردند. بررسی‌ها طایق اظهارات زن میانسال قبل از فوت حکایت از آن داشت عامل سقوط مرگبار شوهر پروانه بوده‌است. بدین ترتیب مأموران ابتدا از خانواده پروانه تحقیق کردند.

برادر زن فوت شده به مأموران گفت: من اهل شهرستان هستم. چند روز قبل از حادثه باخبر شدم و خودم را به تهران رساندم. امید داشتم خواهرم نجات یابد، اما به‌شأنه فوت کرد و همه ما را سیه‌پوش کرد. وی ادامه داد: ۲۸ سال قبل ایرج امام‌دمن به خواستگاری پروانه آمد. پروانه از همان ابتدا مخالف ازواج با ایرج بود. من و پدر و مادرم نیز مخالف ازواج آنها بودیم، اما خانواده ایرج اصرار کردند و از سوی دیگر آشنایان و دوستان من اصرار داشتند ما پروانه را ن عقد ایرج در بیاوریم. ایرج مرد بداخلاقی بود و همه می‌گفتند او دست بزاد نه به همین دلیل اعضای خانواده ما رضی به ازواج پروانه نالو نبودند تا اینکه با پدر میانی بستگان این ازواج صورت گرفت. تا مافکر کردم پس از ازواج اخلاقش تغییر می‌کند، اما نه تنها اخلاقش بهتر نشد، بلکه بدتر هم شد. مدتی بعد از ازواج متوجه شدیم او پروانه را هر روز کتک می‌زند، اما پروانه همه چیز را از ما پنهان می‌کرد. مدتی بعد تصمیم داشتم طلاقش را بگیریم، اما پروانه به خاطر دو فرزندش اصرار داشت با ایرج زندگی کند. از آنجایی که در شهرستان زندگی می‌کنم، کمتر در جریان زندگی او بودم، اما یک ماه قبل متوجه شدم ایرج آنقدر خواهرم را بدستنه جاو برقی کتک زده تا جایی که پای پروانه می‌شکند. آن طور که دختر خواهرم می‌گوید، پدرش روز حادثه سه‌سه بار پروانه را کتک زده است. آن روز ایرج ساعت ۴ عصر به خانه می‌آید و به‌بهانه اینکه شوهرم برای عید زیاد خرید کرده‌است، در کبر می‌شوند. او خواهرم را به شدت کتک می‌زند و پروانه از ترس به یکی از اتاق‌ها پناه می‌برد و در اوقفل می‌کند، اما ایرج دست بردار نبوده و قفل در را می‌شکند و در داخل اتاق خواهرم را دوباره کتک می‌زند. دختر خواهرم من گفت صدای ناله و گریه مادرش را می‌شنیده‌است. می‌کند. وی در پایان گفت: وقتی به من خبر رسید به سر سرعت خودم را به تهران رساندم و بر بالین خواهرم حاضر شدم، اما او حالش خیلی بد بود، دنده‌ها و مهره‌های گردنش شکسته بود و با گریه می‌گفت این بار به خاطر کتک‌های شوهرش می‌میرد. من همان روز به دادسرای یافت آباد رفتم و از شوهر خواهرم شکایت کردم، اما امید داشتم پروانه زنده بماند و راز این حادثه هولناک را بر ملا کند. در این مدت شوهرش یک‌بار به دینش آمد و وقتی متوجه مرگ او شد، دیگر خبری از او نشد.

همزمان با ادامه تحقیقات بازپرس جنایی دستور بازداشت شوهر زن میانسال را صادر کرد تا با تحقیق از وی صحت و سقم حرف‌های شاکی مشخص شود.

سازقان مسلح زن نما دستگیر شدند

دو سارق مسلح که با لباس زنانه به طلافروشی‌های اصفهان دستبرد می‌زدند، شناسایی و دستگیر شدند. رئیس کل دادگستری آستان اصفهان از دستگیری سارقان مسلح که سال گذشته با پوشش زنانه اقدام به سرقت از طلافروشی در اصفهان کرده بودند، خبر داد.

به گزارش «ایرنا»، سال گذشته مأموران کلاتری ملکشهر اصفهان از سرقت مسلحانه طلافروشی باخبر وراهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد لحنظاتی قبل دو فرد با چادر زنانه و مسلح به سلاح کلاشیکف به مغازه طلافروشی دستبرد زده و از محل گریخته‌اند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، مأموران از سرقت مسلحانه دیگری به همین شیوه از طلافروشی در شهرستان دولت‌آباد روبه‌رو شدند.

مأموران در ادامه تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی عاملان سرقت‌های مسلحانه انجام دادند تا اینکه ۱۷ فروردین ماه امسال دو سارق را که مرد بودند شناسایی و دستگیر کردند. رئیس کل دادگستری استان اصفهان گفت: در بازرسی از مخفیگاه متهمان، یک قبضه سلاح کلاشیکف، دو قبضه کلت کمربا با ۴۸ عدد فشنگ جنگی، شوکر و افشانه، قناره، سیم کارت و عابر پی‌اوی‌فود، بازپرس شعبه مربوطه در همان تاریخ، در اداره آگاهی حضور یافت و اقدام به تقمیم اتهام به متهمان مینی بر محاربه، مشارکت در سرقت مسلحانه مقرون به آزار و خرید و حمل ونگهداری سلاح و مهمات غیر مجاز، شوکر، افشانه و تهدید با سلاح گرم کرد و متهمان باقرار بازداشت موقت روانه زندان شدند.

کببی یک عکس قدیمی و خاطره‌ای میهمم از صورت مسادر در شیرخوار گاه تنها سرخ‌نهای پسری جوان از مادرش است که ۱۹ سال قبل سرنوشته میهمم آنها را از هم جدا کرده است. پسر جوان حالا برای یافتن مادرش از مردم درخواست کمک داد. به گزارش خبرنگار ما، صبح روز دوشنبه ۲۱ فروردین‌ماه پس ۱۹ ساله‌ای به نام علی به دادسرای امور جنایی آمد و از قاضی سه‌رای، بازپرس شعبه نهم برای پیدا کردن مادر گم شده‌اش درخواست کمک کرد.

پسر ۱۹ ساله در شرح ماجرای زندگی‌اش به خبرنگار ما گفت: ۱۹ سال قبل مادرم مرا با شیرخوار گاه آمنه سپرد و رفت و دیگر از آن روز به بعد خبری از مادرم ندارم. همیشه چشم انتظار مادرم بودم تا اینکه از سه سال قبل به جست‌وجوی مادرم پرداختم، اما تا الان موفق به پیدا کردن مادرم نشدم تا اینکه امروز تصمیم گرفتم به دادسرای امور جنایی بیایم و از بازپرس سه‌رای برای پیدا کردن مادرم کمک بخواهم.

علی که نگران به نظر می‌رسید، ادامه داد: نام مادرم کبری یک محمداو نام پدرش علی است که در ۱۲ خرداد سال ۱۳۵۸ به دنیا آمده است. آن طور که شنیدم پدر مادرم که مادرم را گلچین صدایم کرده مدتی قبل از به‌دنیا آمدن من به زندان می‌افتد و همان موقع مادر بزرگم نیز فوت می‌کند به همین دلیل مادرم که از شوهر اولش جدا شده بود، برای ادامه زندگی به خانه عموش می‌رود. عموش با اصرار او را به عقد مردی که ۱۷ سال از او بزرگ‌تر است در می‌آورد و حاصل زندگی آنها من هستم. زمانی که مادرم مرا باردار بود با پدرم اختلاف پیدا می‌کند. پدرم که آدم بدبینی بوده به مادرم تهمت می‌زند و مادرم خانه او را ترک می‌کند و وقتی به دنیا آمده بودم به خاطر اینکه سر پناهی نداشتم را به شیرخوار گاه آمنه می‌سپارد.

انتظار برای پیدا کردن مادر ۱۹ ساله شد



من تا شش سالگی در شیرخوار گاه بودم تا اینکه پدرم که او را خشایار صدا می‌زنم به شیرخوار گاه آمد و مرا با خودش برد. آنطور که شنیدم در مدتی که در شیرخوار گاه بودم، مادرم از دور جویایی احوال من بود و بعد از اینکه خشایار مرا تحویل گرفت، اصرار داشت مرا ببیند، اما خشایار اجازه ن داده بود و مادرم از ترس پیش من نیامد. سال‌ها منتظر مادرم بودم، اما خبری از او نشد. حالا دیلمم گرفتارم و کار آزاد دارم و دوست دارم هر چه زودتر مادرم را ببینم. من به گذشته مادرم کاری ندارم و از اینکه مرا به شیرخوار گاه سپرده بودند ناراحت نیستم چون می‌دانم چاره‌ای جز این راه نداشتم بود. دوست دارم هر چه زودتر مادرم را با عویش بگیرم و در کنارش باشم به همین خاطر سه

سال است در جست‌وجو هستم، و در این مدت توانستم تصویر گذرنامه مادرم را به دست آورم که مشخص شد او زنده و در ایران است. من علاوه بر این که در شیرخوار گاه کببی شناسنامه مادرم را به دست آوردم و الان به این مدارک دلخوشم تا هر چه زودتر با این مدارک مادر کم را پیدا کنم.

وی در پایان گفت: از مادرم می‌خواهم اگر این خبر را در روزنامه خواند حتماً به سراغ پسرش بیاید و من چشم انتظار او هستم و از افرادی هم که از مادرم اطلاع دارند در خواست دارم به من کمک کنند تا مادرم را پیدا کنم. کار آگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی سه‌رای تحقیقات برای شناسایی زن گمشده را آغاز کرده‌اند.

کف‌زنی در ترکیه، عراق، مالزی و حالا دستگیری در ایران!

یکی از شاکیان که اهل یکی از کشورهای آسیایی بود، گفت: چندین بار است همراه همسرم برای گردشگری به ایران آمدم، اما هیچ وقت در دام سارقان گرفتار نشده بودم تا اینکه امروز پنج مرد مأمور نما به بهانه بازرسی اموالم مقدار زیادی از دلارهای مرا سرقت کردند. وی ادامه داد: داخل خیابان بودم که از داخل خودروی سمندی که چند سر نشین داشت دو مرد پیاده شدند. یکی از آنها با زبان انگلیسی خودش را ۱۵ اسکناس ۱۰۰ دلاری از او پول‌هایم کشید و همان لحظه فهمیدم که آنها مأمور نما بودند و پول‌های مرا سرقت کرده‌اند.

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی نصرتی بازپرس شعبه اول دادسرای ناحیه ۳۴ برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ **طرح شکایات‌های مشابه**
در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، مأموران با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت پنج مرد مأمور نما از تعداد زیادی توریست‌های روسی، اروپایی و چینی با شیوه کف‌زنی اموال آنها را سرقت کرده‌اند.

■ **سارقان مأمور نما کف‌زنان بین‌المللی بودند**
در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد تعدادی از شاکیان که در ایران حضور داشتند با کمک

اعضای باند کف‌زنان بین‌المللی که در پوشش مأمور نما از گردشگران خارجی مقابل هتل‌ها کف‌زنی می‌کردند، به دام پلیس گرفتار شدند. ایرج اصرار کردند و از سوی دیگر آشنایان و دوستان من اصرار داشتند ما پروانه را ن عقد ایرج در بیاوریم. ایرج مرد بداخلاقی بود و همه می‌گفتند او دست بزاد نه به همین دلیل اعضای خانواده ما رضی به ازواج پروانه نالو نبودند تا اینکه با پدر میانی بستگان این ازواج صورت گرفت. تا مافکر کردم پس از ازواج اخلاقش تغییر

می‌کند، اما نه تنها اخلاقش بهتر نشد، بلکه بدتر هم شد. مدتی بعد از ازواج متوجه شدیم او پروانه را هر روز کتک می‌زند، اما پروانه همه چیز را از ما پنهان می‌کرد. مدتی بعد تصمیم داشتم طلاقش را بگیریم، اما پروانه به خاطر دو فرزندش اصرار داشت با ایرج زندگی کند. از آنجایی که در شهرستان زندگی می‌کنم، کمتر در جریان زندگی او بودم، اما یک ماه قبل متوجه شدم ایرج آنقدر خواهرم را بدستنه جاو برقی کتک زده تا جایی که پای پروانه می‌شکند. آن طور که دختر خواهرم می‌گوید، پدرش روز حادثه سه‌سه بار پروانه را کتک زده است. آن روز ایرج ساعت ۴ عصر به خانه می‌آید و به‌بهانه اینکه شوهرم برای عید زیاد خرید کرده‌است، در کبر می‌شوند. او خواهرم را به شدت کتک می‌زند و پروانه از ترس به یکی از اتاق‌ها پناه می‌برد و در اوقفل می‌کند، اما ایرج دست بردار نبوده و قفل در را می‌شکند و در داخل اتاق خواهرم را دوباره کتک می‌زند. دختر خواهرم من گفت صدای ناله و گریه مادرش را می‌شنیده‌است. می‌کند. وی در پایان گفت: وقتی به من خبر رسید به سر سرعت خودم را به تهران رساندم و بر بالین خواهرم حاضر شدم، اما او حالش خیلی بد بود، دنده‌ها و مهره‌های گردنش شکسته بود و با گریه می‌گفت این بار به خاطر کتک‌های شوهرش می‌میرد. من همان روز به دادسرای یافت آباد رفتم و از شوهر خواهرم شکایت کردم، اما امید داشتم پروانه زنده بماند و راز این حادثه هولناک را بر ملا کند. در این مدت شوهرش یک‌بار به دینش آمد و وقتی متوجه مرگ او شد، دیگر خبری از او نشد.



اسمت چیه؟

سیروس هستم.

چه شد که عضو باند کف‌زنان شدی؟

ما خواوادگی کف‌زن هستیم، پدر، عمه و عمو و دیگر بستگانم کف‌زن هستند.

یعنی خانوادات به تو آموزش کف‌زنی داد؟

بله. من از چنگی گاهی همراه پدر و بستگانم به کف‌زنی می‌رفتم و کاملاً حرفه‌ای شدم.

چه طوری به زبان انگلیسی مسلط شدی؟

من مدتی همراه پدر و مادرم در خارج از کشور زندگی کردم و همان زمان زبان انگلیسی را یاد گرفتم. علاوه بر زبان انگلیسی به عربی و ترکی هم مسلط هستم.

۲نفر از عوامل شهادت

فرمانده گردان کورین زاهدان دستگیر شدند

دو نفر از عوامل شهادت روح‌الله عالی، فرمانده گردان کورین تیپ ۱۱۰ سیاه مسلمان زاهدان دستگیر شدند و دو ضرور دیگر نیز در این رابطه به هلاکت رسیدند. به گزارش «ایرنا»، روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه روز سه‌شنبه با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پی درگیری یک تیم اشترار مسلح با نیروهای تیپ ۱۱۰ مسلمان فارسی در منطقه کورین شهرستان زاهدان، سرگرد پاسدار روح‌الله عالی به شهادت رسید. در این اطلاعیه آمده است: در این درگیری که دوشنبه شب (۲۱ فروردین) رخ داد دو نفر از اشترار مسلح به هلاکت رسیدند و دو نفر دیگر نیز دستگیر شدند. کورین از توابع شهرستان زاهدان در ۸۰ کیلومتری غرب زاهدان قرار دارد.

به هر حال برای کف‌زنی از گردشگران باید به زبان‌های آنها تسلط داشته باشی البته خانواده من هم‌شان به زبان انگلیسی و عربی مسلط هستند.

فقط در ایران کف‌زنی می‌کنی؟

نه چند باری هم به کشورهایمانند ترکیه، مالزی، عراق و چند کشور دیگر همراه خانواده‌ام رفتم‌ام و در آنجا به بهانه‌های دیگر از توریست‌ها کف‌زنی می‌کردم.

از چند گردشگر کف‌زنی کردی؟

ما به صورت بندی در پوشش مأمور نما کف‌زنی می‌کنیم و تعداد آنها در خاطرم نیست، اما فکر کنم از ۵۰ گردشگر سرقت کردم.

چرا به صورت مسلحانه اقدام به کف‌زنی می‌کردید؟

|| چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ | ۱۴ رجب ۱۴۳۸ |

خرید خودروهای گرانقیمت

با چک‌های رمزدار قلابی

اعضای یک شبکه بزرگ سرقت که با مراجعه به سایت دیوار و فریب فروشندگان خودروهای گرانقیمت با جعل چک‌های رمزدار از آنها کلاهبرداری می‌کردند، محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار ما، سال گذشته بود که مردی با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد مردسد کلاهبرداری که در سایت دیوار از او کلاهبرداری کرده داخل خیابان دیده‌است و برای دستگیری وی درخواست کمک کرد. لحنظاتی بعد تیمی از مأموران به آدرس داده شده حاضر شدند و متهم کلاهبردار را دستگیر کردند. شاکی در توضیح ماجرا گفت: برای خرید خانه پول نیاز داشتم و به همین دلیل تصمیم گرفتم خودروی کسوسومر و بفر و رسم به همین دلیل مشخصات خودروم را در سایت دیوار آگهی کردم. روز بعد فردی تماس گرفت و قرار شد او کارشناسی همراه خود بیاورد و بعد از اینکه از صحت خودرو اطمینان پیدا کرد در مورد قیمت آن باهم صحبت کنیم. روز قرار آن مرد به همراه دوست کارشناس آمدند و وقتی خودرو را دیدند همان قیمتی را که پیشنهاد داده بودم قبول کردند و قرار شد بابت پرداخت آن چند چک رمزدار به من تحویل بدهد و بعد از پرداخت چک‌ها به یک دفتر اسناد رسمی برویم. در ملاقات بعدی با اینکه از قبل سر قیمت توافق کرده بودیم شروع به چانه‌زنی کرد، اما من قیمت را کم نکردم و در نهایت او به همان قیمت قبلی رضی شد. سپس یک سری چک رمزدار تحویل داد و همراه دوستش مدار کم را برای انجام کارهای سند گرفت و رفت.

شاکی ادامه داد: وقتی وارد بانک شدم و چک‌ها را تحویل باجه دادم، کارمند بانک مرا به اتاق رئیس بانک راهنمایی کرد و لحنظاتی بعد مأموران پلیس آمدند و مرا به اتهام جعل چک بازداشت کردند که بعد از ارائه توضیحات و شرح ماجرا آزاد شدم.

وی ادامه داد: ساعتی قبل در خیابان ستارخان در حال عبور بودم که ناگهان چشمم به مرد کلاهبردار افتاد که در یکی از رستوران‌های غذاخوری حوالی همان خیابان نشسته بود. بلافاصله با پلیس تماس گرفتم و مأموران با حضور در محل او را دستگیر کردند.

متهم پس از دستگیری به جرم خود اقرار کرد و گفت: ما یک باند ۱۳ نفره هستیم که بعد از رصد صفحات آگهی فروش خودرو در روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از جمله سایت دیوار، با صاحبان خودروهایی که ارزش قیمت بالایی داشتند جمله سلفه و لکسوس تماس می‌گرفتیم. بعد از قرار با فروشنده‌گان و توافق مبلغ خودرو، بابت پرداخت آن چک رمزدار تحویل می‌دادیم. سپس مدارک و سند خودرو را تحویل می‌گرفتیم و با جعل آنها خودرو را باقیمت بالاتری به فرد دیگری می‌فروختیم.

با توضیحات متهم و مشخصاتی که او در اختیار مأموران قرار داده بود بررسی‌ها نشان داد اعضای این باند ۳۰ نفر هستند. مأموران در ادامه اعضای این باند را شناسایی و دستگیری کردند. متهمان پس از صدور کیفرخواست به اتهام کلاهبرداری جعل مدارک و اسناد رسمی و فروش غیر مجاز برای دادگاهی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زبان‌زاده منتقل شدند که به دلیل طولانی شدن جلسه ادامه رسیدگی به این پرونده را به جلسه‌بعدی موکول شد.

پزشک تبریزی محاکمه می‌شود

علیرضا صلحی، پزشک تبریزی که متهم است دو عضو خانواده‌اش را به قتل رسانده یه زودی در دادگاه کیفری استان محاکمه می‌شود. موسی خلیل‌اللهی، دادستان عمومی و انقلاب تبریز گفت: کیفرخواست پرونده پزشک تبریزی پس از تحقیقات تکمیلی به جرم قتل دو عضو خانواده‌اش صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه فرستاده شد.

مهر ماه امسال بود که خبر قتل دو عضو خانواده پزشک تبریزی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. دکتر علیرضا صلحی که با انتشار نسخه‌های خوش خطش در شبکه‌های اجتماعی به شهرت رسیده بود، مرگ مشکوک دو عضو خانواده‌اش را به پلیس گزارش کرد، او گفت یک نفر مقداری غذای نذری به بیمارستان آورد. من هم غذاها را به خانه بردم و به محل کارم برگشتم. بعد از پایان کار وقتی به خانه رفتم، متوجه شدم که اعضای خانواده‌ام دچار مسمومیت شده‌اند. بعد امدادگران را از ماجرا باخبر کردم. آنها هم خیلی زود اعضای خانواده‌ام را به بیمارستان منتقل کردند، اما متوجه شد که همسرم و مادر بزرگش به علت شدت مسمومیت فوت شده‌اند. در حالی که تحقیقات دربره این حادثه ادامه داشت، دادستان تبریز اعلام کرد، اساساً موضوع مسمومیت با غذای نذری در این پرونده صدر صد منفی است و به هیچ وجه موضوع غذای نذری مطرح نبوده‌است. غذاها از یکی از رستوران‌های تبریز خریداری شده‌است و براساس تحقیقات پرونده و بررسی محتوای دوربین‌های حاضر در محل، نحوه خرید غذامشخص نشده‌است. سر از آن بررسی‌ها نشان داد، پزشک تبریزی در مسمومیت اعضای خانواده‌اش به‌وسیله قرص بزرج‌دست داشته‌است، بنابراین پزشک سرشناس به اتهام قتل بازداشت شد و به جرم اشراف قرار کرد.

خارج از مدار

کشته در تیراندازی

مرگبار مدرسه‌ای در امریکا

مرد مسلحی که در امریکا با شلیک گلوله همسرش و یک دانش آموز را به قتل رساند، اقدام به خودکشی کرد. به گزارش «ایرنا»، رئیس پلیس سن برناردینو گفت: مظنون این تیراندازی به نام کدریک اندرسون بدون گفتن کلمه‌ای به مدرسه‌ای در این شهر رفت و به سوی زن خود کارن اسمیت، معلم این مدرسه آتش فشود و وی را به همراه یک دانش آموز دیگر که در کنار این معلم بود، کشت. وی دانش آموز دیگری را نیز مجروح کرد که حال عمومی این دانش آموز در بیمارستان خوب توصیف شده‌است. قاتل پس از این شلیک‌ها، با گلوله به زندگی خودش پایان داد.

^[1] هم‌اکنون متهمان به‌رد مال به مقدار ۲۴ کیلو و ۳۰۰ گرم طلا نیز محکوم شدند